

نگارش فارسی، پایه‌ی هفتم تمرین شماره‌ی ۳: ضمیرها

نوشته‌های زیر را بخوانید. سپس، در پرانتزها، ضمیر مناسب هر جمله را انتخاب کنید. نیازی نیست متن را رونویسی کنید. فقط جواب درست را در دفتر بنویسید و مشخص کنید هر یک مربوط به کدام جمله است.

... من یک گربه‌ی ماده داشتم؛ اسمش «نازی» بود. شاید (او / آن / آنها) را دیده بودی. از این گربه‌های معمولی گل‌باقالی بود، با دوتا چشم درشت، مثل چشم‌های شرمه‌کشیده. روی پشتش نقش‌ونگارهای مرتب بود. مثل این‌که، روی کاغذ آب‌خشک‌کن فولادی، جوهر ریخته باشند و بعد (او / آن / آنها) را از میان تا کرده باشند. روزها، که از مدرسه برمی‌گشتم، نازی جلو می‌دوید. میومیو می‌کرد. خودش را به من می‌مالید. وقتی که می‌نشستم، از سروکولم بالا می‌رفت. پوزه‌اش را به صورتم می‌مالید. با زبان زبرش پیشانی‌ام را می‌لیسید و اصرار داشت که (او / آن / آنها) را ببوسم. ...

سه قطره خون، صادق هدایت

... ولی چیزی که بیش‌تر از همه «پات» را شکنجه می‌داد احتیاج (او / آن / آنها) به نوازش بود. (او / آن / آنها) مثل بچه‌ای بود که همه‌اش توسری خورده و فحش شنیده، اما احساسات رقیقتش هنوز خاموش نشده. مخصوصاً، با این زندگی جدید و پر از درد و زجر، بیش از پیش، احتیاج به نوازش داشت.

چشم‌های (او / آن / آنها) این نوازش را گدایی می‌کردند و حاضر بود جان خودش را بدهد، در صورتی که یک نفر به (او / آن / آنها) اظهار محبت بکند یا دست روی سرش بکشد. (او / آن / آنها) احتیاج



داشت که مهربانی خودش را به کسی ابراز بکند. برایش فداکاری بنماید. حس پرستش و وفاداری خود را به کسی نشان بدهد، اما به نظر می‌آمد هیچ‌کس احتیاجی به ابراز احساسات (او / آن / آنها) نداشت. هیچ‌کس از (او / آن / آنها) حمایت نمی‌کرد و توی هر چشمی نگاه می‌کرد، به‌جز کینه و شرارت، چیز دیگری نمی‌خواند. و هر حرکتی که برای جلب توجه این آدم‌ها می‌کرد مثل این بود که خشم و غضب (او / آن / آنها) را بیشتر برمی‌انگیخت. ...

سگ ولگرد، صادق هدایت